



## Analytical Study of Centers and Foci of Jurisprudential Manuscripts Production in the Second half of the Safavid Period and its Comparison with Jurisprudential Works of the First Half with Reference to the Manuscripts of Iranian Libraries

Habibollah Azimi 

\*Corresponding author, Associate Professor, Department of Codicology, National Library and Archives of Iran, Tehran, Iran. E-mail: azimi@nlai.ir

### Abstract

**Objective:** The purpose of this research project was the analytical examination of the centers of authoring and writing of jurisprudence works of the second Safavid period and determining the centers and schools of copying jurisprudence sources in the second half of the Safavid period from the reign of Shah Safi (1038 AH) until the fall of this dynasty (1135 AH) and its comparison with the jurisprudential works of the first period.

**Methodology:** This research is conducted using a content analysis survey method. The checklist, is used in this research as a tools and the research is done in a census way.

**Findings:** The research findings are:

1. In the second Safavid period, only in 50 of jurisprudence manuscripts, the place of authorship has been determined by the author or copywriter in 11 cities, the most abundant of which belongs to Isfahan (with 25 titles), followed by the cities of Behbahan, Qazvin and Najaf Ashraf with 5 titles each and Mashhad Razavi with 4 titles and then other cities.
2. The place of writing of 59 copies in this era has been determined in 22 cities in the end of the copy, the most frequent of which is related to the city of Isfahan, where 27 copies (with the location of writing determined) were written.
3. In 11 jurisprudential manuscripts of this period, the book center is mentioned, which is the most frequent (7 copies) related to the madrasah, and other centers include the castle, the government house and the sultan's residential.
4. Among the jurisprudential manuscripts of the second Safavid era, the place of writing of 59 titles of jurisprudential works in 22 cities has been specified in the end of the edition, the most frequent of which is related to the city of Isfahan; Also, only in 11 jurisprudential manuscripts of this period, the center of writing is mentioned, which is the most frequent (7 copies) related to madrassa.

In the first Safavid period, the place of writing of 190 jurisprudential works was determined in 6 cities at the end of the manuscript, the most frequent being the holy cities of Mashhad (the spiritual capital) and Isfahan (the political capital of Iran); Also, in 86 copies of that, the book center is

mentioned, which is the most frequently related to madrasa, with a significant distance from other centers.

**Conclusion:** In the first period of Safavid era, because there were many Shiite schools in Mashhad, the most frequent copying of jurisprudence works took place in that city as the spiritual capital and then in Isfahan city as the political capital of Iran, while in the second half of the Safavid era, due to the expansion of Shiite schools in Isfahan, the most copying of jurisprudence works has been done in this city. In addition to schools, during the Safavid era, centers of schools, castles, government houses and residential villages, shrines, mosques, houses, military structures, monasteries, and neighborhoods were active in copying jurisprudence works.

**Keywords:** manuscript production centers, manuscript copying centers, jurisprudential manuscripts, the second half of the Safavid period

**Article type:** Research

**How to cite:**

Azimi, H. (2024). Analytical Study of Centers and Foci of Jurisprudential Manuscripts Production in the Second half of the Safavid Period and its Comparison with Jurisprudential Works of the First Half with Reference to the Manuscripts of Iranian Libraries. *Library and Information Sciences*, 27(4), 81-105.

**ARTICLE INFO**

---

**Article history:**

Received: 03/09/2024

Received in revised form: 26/10/2024

Accepted: 19/11/2024

Available online: 08/03/2025

Publisher: Central Library of Astan Quds Razavi  
Library and Information Sciences, 2024, Vol. 27, No.4, pp. 81-105.

© The author



## بررسی تحلیلی مراکز و کانون‌های تولید نسخه‌های خطی فقهی در نیمه دوم دوره صفویه و تطبیق آن با آثار فقهی نیمه اول با استناد به نسخه‌های خطی کتابخانه‌های ایران

حبیب الله عظیمی 

\*نویسنده مسئول، دانشیار پژوهشی، گروه نسخه‌شناسی و نسخه‌پژوهی، سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران، تهران، ایران. رایانامه: azimi@nlai.ir

### چکیده

**هدف:** بررسی تحلیلی مراکز و کانون‌های تألیف و کتاب آثار فقهی دوره دوم صفوی و تعیین مراکز استنساخ منابع و تطبیق آن با آثار فقهی دوره اول است. **روش پژوهش:** این پژوهش به روش پیمایشی از نوع تحلیل محتوا به شیوه سرشماری انجام می‌شود.

**یافته‌ها:** در میان ۶۷۲ اثر فقهی تاریخ‌دار دوره دوم صفوی، محل کتابت ۵۹ عنوان اثر فقهی در ۲۲ شهر در انجامه نسخه مشخص شده است که بیشترین فراوانی آن مربوط به شهر اصفهان است؛ همچنین فقط در ۱۱ نسخه فقهی این دوره، کانون کتابت ذکر شده که بیشترین فراوانی مربوط به مدرسه است. در دوره اول صفوی، در میان ۳۹۲ نسخه فقهی، محل کتابت ۱۹۰ عنوان اثر فقهی در ۶ شهر در انجامه نسخه تعیین شده که بیشترین فراوانی مربوط به شهرهای مشهد مقدس و اصفهان است؛ همچنین در دوره نخست صفویه، فقط در ۸۶ نسخه، کانون استنساخ ذکر شده که بیشترین فراوانی مربوط به مدرسه با فاصله معنی‌داری از کانون‌های دیگر است.

**نتیجه‌گیری:** در دوره نخست صفویه چون در شهر مشهد تعداد زیادی مدارس شیعی فعالیت داشت که ۱۰ مدرسه از آن‌ها فقط در دوره صفویه ساخته شده، بیشترین فراوانی استنساخ آثار فقهی در آن شهر به عنوان پایتخت معنوی با ۵۲ عنوان و سپس در شهر اصفهان به عنوان پایتخت سیاسی ایران صورت گرفته است؛ در حالی که در نیمه دوم صفویه با توجه به گسترش مدارس شیعی در اصفهان که ۸ مدرسه فقط در نیمه دوم صفویه احداث شده، بیشترین استنساخ آثار فقهی با ۲۵ عنوان نسخه در این شهر انجام شده است. به جز مدارس، در دوره صفویه کانون‌های مدرسه، قلعه، دولتخانه و قریه نشیمن، حرم، مسجد، منزل و خانه، نظامیه، خانقاه و محله در امر استنساخ آثار فقهی فعالیت داشته‌اند.

**کلیدواژه‌ها:** مراکز تولید و استنساخ نسخه‌های خطی، مراکز کتابت در اصفهان و مشهد، کانون‌های استنساخ نسخ خطی، نسخ خطی فقهی، نیمه دوم دوره صفویان

نوع مقاله: پژوهشی

استناد:

عظیمی، حبیب الله (۱۴۰۳). بررسی تحلیلی مراکز و کانون‌های تولید نسخه‌های خطی فقهی در نیمه دوم دوره صفویه و تطبیق آن با آثار فقهی نیمه اول با استناد به نسخه‌های خطی کتابخانه‌های ایران. *کتابداری و اطلاع‌رسانی*، ۲۷(۴)، ۸۱-۱۰۵.

تاریخچه مقاله:

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۶/۱۳ تاریخ ویرایش: ۱۴۰۳/۸/۵ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۸/۲۹ تاریخ انتشار: ۱۴۰۳/۱۲/۱۸

ناشر: کتابخانه مرکزی آستان قدس رضوی

کتابداری و اطلاع‌رسانی، ۱۴۰۳، دوره ۲۷، شماره ۴، شماره پیاپی ۱۰۸، صص. ۸۱-۱۰۵.

© نویسنده



### مقدمه

تأسیس مدارس در عصر صفوی به ویژه در دوره شکوفایی عصر صفویه، یعنی از دوره شاه عباس اول (حکومت: ۹۹۶-۱۰۳۸ق) به بعد، اوج گرفت و حتی دوره حکومت شاه سلیمان (۱۰۷۷-۱۱۰۵) و شاه سلطان حسین (۱۱۰۵-۱۱۳۵ق) در گند شدن روند رشدیابنده تأسیس آن‌ها تأثیر نگذاشت. از این منظر، دوره ضعف و انحطاط صفویه با دوره اوج و شکوفایی ساخت مدارس همزمان بوده است (بخشی استاد و احمدی، ۱۳۹۲، ص. ۱۰). این مدارس و عالمانی که آرام آرام بر گستره فقه‌آموزی می‌افزودند، به پشتوانه حکومت صفوی از عوامل مهم و تأثیرگذار رشد فقه‌های در ایران بودند (همان، ۱۳۹۲، ص. ۱۱).

مسئله اصلی این پژوهش، بررسی و تعیین مراکز و مدارس تولید و استنساخ آثار فقهی در نیمه دوم دوره صفوی و تطبیق آن با تألیفات دوره اول است. پس از بررسی نسخ خطی فقهی که در این دوره تألیف یا استنساخ شده و تعیین محل تولید این کتاب‌ها و تطبیق آن با تألیفات دوره اول، می‌توان به میزان گسترش مراکز و شهرهای تولید آثار فقهی در شهرهای مختلف کشور در این دوره و تداوم این گستردگی پی برد و به این نتیجه رسید که رشد فزاینده تولید منابع فقهی در طول دوره صفویان، نقطه عطفی در تاریخ ایران به وجود آورده است. رونق تعلیم و تعلم معارف شیعه به ویژه فقه در مدارس روزگار صفویه در ایران موجب شد که از میانه دوره حکومت صفویه، کانون‌های دینی مذهب تشیع اثناعشری در عراق از شکوفایی علوم دینی در ایران تأثیر بپذیرند. پایتخت حکومت صفویه (اصفهان) و شهرهای مهمی همچون: مشهد و شیراز در این زمینه تأثیرگذار بودند و سرانجام مرکز علمی و فقهی تشیع تا دو قرن و نیم به ایران منتقل شد (جعفریان، ۱۳۷۹، ص. ۸۱۴). مدارس این عصر از مؤثرترین و پایدارترین حامیان تشیع فقه‌های بودند و تدریس بسیاری از متون مهجور شیعه در مدارس نیمه دوم دوره صفوی رواج یافت.

بر اساس گزارش منابع تاریخی این دوره مانند ریاض العلماء و فهارس نسخ خطی عصر صفوی، افزایش میزان تعلیم و تعلم و تألیف و استنساخ کتب فقهی و حدیثی شیعه و روند صعودی آن در مدارس به ویژه از میانه دوره حکومت صفویه، آشکارا از فزونی و پیشرفت برخوردار بوده است. این ویژگی را از متون آموزشی و کتاب‌های استنساخ شده آن دوره می‌توان استنباط کرد (بخشی استاد، ۱۳۹۰، ص. ۱۲۳-۱۳۷).

با توجه به گسترش مدارس شیعی در دوره صفویه در شهرهای مختلف، تعداد قابل توجهی از آن‌ها در شهرهای بزرگ و مهم همچون اصفهان، مشهد، شیراز و قزوین احداث گردید. به عنوان مثال، تعداد ۸ مدرسه فقط در نیمه دوم صفویه در اصفهان و تعداد ۱۰ مدرسه در دوره صفویه در مشهد ساخته شده است. تعداد قابل توجهی از آثار فقهی در مدارس نیمه دوم این دوره، تألیف یا کتابت شده‌اند که در انجنامه (ترقیمه) برخی از نسخ

خطی این دوره، نام مدرسه محل کتابت و کاتب آن نیز ذکر شده است. برای نمونه، به چند مورد زیر اشاره می‌شود:

(۱) مدارس شهر اصفهان: الف) مدرسه ملا عبدالله شوشتری اصفهان: کتابت تذکره الفقهای علامه حلی در این مدرسه به سال ۱۰۵۷ توسط حسن بن عبدالکریم صالح بحرانی (نسخه شماره ۲۶۶۶ مرکز احیاء قم)؛ ب) مدرسه جده اصفهان: کتابت زبده البیان مقدس اردبیلی در این مدرسه به سال ۱۰۸۹ ق توسط محمد رشید بن علیخان (نسخه شماره ۱۹۸۵ کتابخانه کاشف الغطاء)؛ ج) مدرسه قرجای بیک اصفهان: کتابت نسخه قواعد الاحکام فی معرفه الحلال و الحرام از علامه حلی به سال ۱۰۹۶ ق در این مدرسه توسط باقر بن هاشم حسینی گیلانی (نسخه شماره ۵۲ کتابخانه شهید محمد حسین شریعتی قم)؛ د) مدرسه شیخ لطف الله: محمدزمان تبریزی کتاب‌های بسیاری را هنگام سکونتش در مدرسه شیخ لطف الله نوشت (جعفریان، ۱۳۷۹، ص. ۱۷-۱۸).

(۲) مدارس شهر مشهد: الف) مدرسه یوسف خواجه مشهد: کتابت ارشادالاذهان علامه حلی به سال ۱۰۴۵ ق در این مدرسه توسط محمد مازندرانی (نسخه شماره ۱۲۷۴ کتابخانه مرکز احیاء میراث اسلامی)؛ ب) مدرسه فاضل خان مشهد: کتابت اثنی عشریات ابن قاسم حسینی عاملی به سال ۱۰۷۹ ق در این مدرسه توسط طلبه‌ای به نام محمد طاهر اراسنجی (نسخه شماره ۱۱۴۹ کتابخانه مجلس).

(۳) مدارس شهر شیراز: الف) مدرسه خانیه شیراز: کتابت شرح مختصر الاصول عضالدین ایچی در این مدرسه به سال ۱۰۴۴ ق (نسخه شماره ۷۳۲۳ کتابخانه مجلس)؛ ب) مدرسه رفیعیه شیراز: کتابت شرح فرائض به سال ۱۰۳۵ ق در این مدرسه توسط شمس الدین محمد بن جلال حسینی حسینی (نسخه شماره ۴ کتابخانه آیت الله مرعشی)؛ ج) مدرسه میرزا لطف اله شیراز: کتابت حاشیه ارشادالاذهان به سال ۱۰۲۳ ق در این مدرسه توسط محمد باقر بن زین العابدین کرمانی (نسخه شماره ۷۵۹ مدرسه علمیه مروی).

(۴) مدارس شهر قزوین: الف) مدرسه خلیلیه قزوین: کتابت حاشیه عده الاصول ملاخلیل قزوینی به سال ۱۰۸۸ ق در این مدرسه توسط محمد معصوم بن ملامحمد باقر طالقانی (نسخه شماره ۱۹۰ کتابخانه مجلس)؛ ب) مدرسه التفانیه قزوین: کتابت حاشیه عده الاصول ملاخلیل قزوینی به سال ۱۱۲۱ ق در این مدرسه توسط کاظم بن باقر قزوینی (نسخه شماره ۱۱۷۵۲ کتابخانه آیت الله مرعشی).

با بررسی فهرستگان نسخ خطی ایران نمونه‌های بسیاری از این دست یافت می‌شود که دلالت دارد بر فزونی میزان تألیف و استنساخ آثار فقهی شیعی در مدارس این دوره. با توجه به نسخه‌های خطی این دوره می‌توان دریافت که کاتبان بخش فراوانی از این نسخه‌ها، طالبان علوم دینی بوده‌اند (بخشی استاد، ۱۳۹۰، ص. ۱۲۳-۱۳۰) و بیشتر نویسندگان یا مترجمان آثار از مدرسان و دانش‌آموختگان مدارس دوره صفوی بوده‌اند (بخشی استاد و احمدی، ۱۳۹۲، ص. ۱۴).

نگارنده در این پژوهش قصد دارد با بررسی و شمارش نسخه‌های خطی تألیف یا استنساخ شده در شهرها و کانون‌های تألیف و کتابت این دوره و تطبیق آن‌ها با کانون آثار تولید شده در دوره اول، روند رشدیابنده آن در عصر صفوی را بررسی نماید و با تفکیک محل تألیف و محل استنساخ نسخه‌های فقهی تألیف شده در دوره دوم صفوی میزان گستردگی مراکز تولید آثار فقهی در نیمه دوم دوره صفوی را بررسی نماید. طبعاً با استناد به آمار و ارقام محل تألیف و کتابت آثار فقهی تولید شده در این دوره و تطبیق آن با مراکز تولید آثار فقهی دوره پیشین، می‌توان مستنداً راجع به چگونگی گسترش مراکز تولید آثار فقهی در دوره صفوی اظهار نظر نمود. بر این اساس، انجام این پژوهش می‌تواند میزان و نحوه گسترش مدارس و مراکز استنساخ آثار فقهی در دوره صفویه را با استناد به نسخ خطی موجود در کتابخانه‌های ایران نشان دهد.

### پرسش‌های پژوهش

۱. مراکز تولید (تألیف) کتب فقهی در نیمه دوم دوره صفویه در ایران کدام است؟
۲. نحوه پراکندگی جغرافیایی مراکز استنساخ کتب فقهی در نیمه دوم دوره صفویه چگونه است؟
۳. نحوه پراکندگی جغرافیایی کانون‌های استنساخ کتب فقهی در نیمه دوم دوره صفویه چگونه است؟
۴. تطبیق مراکز و کانون‌های آثار فقهی استنساخ شده در این دوره با آثار فقهی دوره قبل چگونه است؟

### پیشینه پژوهش

پورآرین (۱۳۶۹) در پژوهشی با عنوان «تاریخچه نظام طلبگی ایران عصر صفوی» به بررسی نظام طلبگی و تشکیلات آموزش ایران عصر صفوی پرداخته و در آن، پایگاه اجتماعی و سیاسی حوزه‌های علمیه عهد صفوی و تاریخچه فقه و فقه‌های شیعه از ابتدا تا پایان صفوی، مقامات و مراتب روحانیون صفوی و نظام و آیین تعلیم و تعلم حوزه‌های علمیه این دوره مورد بحث قرار گرفته است.

نتایج پژوهشی با عنوان «بررسی تأثیر مدارس مذهبی اصفهان در گسترش و تثبیت تشیع در عصر صفویه» که به روش توصیفی - تحلیلی به بررسی نقش و تأثیر مدارس مذهبی در دوره صفوی پرداخته نشان داد که در عصر شاه عباس اول و جانشینان وی، مدرسه‌سازی رشد چشمگیری را در شهرهای مختلف به ویژه اصفهان داشته است (بهمنی، ۱۳۹۰). این مدارس نقش مهمی را در عرصه تولید اندیشه تشیع در جامعه و پرورش عالمان صاحب نام و مقابله با اندیشه‌های معارض ایفا کرده است. شکل‌گیری این مدارس به نوعی همکاری دوجانبه نهاد مذهبی و نهاد سیاسی بوده است که این تعامل حوزه دین و سیاست از یک سو به گسترش مدارس دینی این دوره انجامید و از سوی دیگر در تثبیت پایه‌های حکومت صفوی مؤثر افتاد.

قنبری زاده (۱۳۹۲) در پژوهشی با عنوان «نهادهای آموزشی شیعیان از دوره صفویه تا قاجاریه» به بررسی نهادهای آموزشی در دوره‌های صفویه، افشاریه و زندیه پرداخت. نتایج این پژوهش نشان داد نهادهای آموزشی در مساجد، مکتب‌خانه‌ها و خانه‌های معلمان تشکیل شد و با تأسیس نظامیه‌ها، علم در محیط آموزشی گسترش یافت و به مرور زمان مدارس شیعی شکل گرفتند. شیعیان در دوره صفوی توانستند به عنوان دین رسمی به حیات خود ادامه دهند. در دوره افشاریان، نادرشاه چندان به موضوع آموزش توجهی ننموده و در دوره کریم خان زند دوباره نهادهای آموزشی برقرار شده است.

عظیمی (۱۴۰۱) در طرح پژوهشی مصوب شورای پژوهش سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران با عنوان «گسترش تولید کتب فقهی و پراکندگی جغرافیایی آن در دوره صفوی اول در ایران با استناد به نسخ خطی کتابخانه‌های ایران» به بررسی کتب فقهی و مراکز استنساخ آن‌ها در دوره اول صفویه، از ابتدا تا عصر شاه عباس اول (از ۹۰۷ تا ۱۰۳۸ ق) و در محدوده جغرافیایی شهرهای مهم ایران پرداخته است که با روش پژوهش پیمایشی از نوع تحلیل محتوا انجام شده است. یافته‌های پژوهش نشان داد که از مجموع ۵۵۴ کتاب و رساله فقهی تولید شده در دوره صفوی اول، جمعاً ۳۹۲ عنوان کتاب و رساله دارای نسخه‌های کتابت شده در این دوره هستند و ۱۶۲ عنوان از آثار فقهی این دوره بدون هیچ نسخه کتابت شده در این دوره وجود دارد که از بین آن‌ها جمعاً تعداد ۱۹۰ عنوان (یعنی نزدیک ۵۰٪) از آن‌ها در ۳۱۷ نسخه و در ۶ شهر کتابت شده‌اند. داده‌ها حاکی از آن است که شهرهای مشهد با ۱۰۹ نسخه کتابت شده از ۵۲ عنوان آثار فقهی این دوره و اصفهان با ۹۶ نسخه کتابت شده از ۵۵ عنوان آثار فقهی این دوره بیشترین کتابت آثار فقهی از کانون‌های مهم استنساخ و کتابت آثار فقهی در ایران بوده‌اند. فقط در ۸۶ نسخه از آثار فقهی مورد پژوهش، کانون استنساخ ذکر شده که بیشترین فراوانی استنساخ مربوط به مدرسه است که با ۶۵ استنساخ در ۴۷ مدرسه، فاصله معنی‌داری با بقیه کانون‌ها دارد که آن‌ها جمعاً دارای ۲۰ استنساخ هستند.

در پژوهشی با عنوان «استنساخ کتاب‌های فقهی در دوره صفویه اول در ایران با استناد به نسخ خطی کتابخانه‌های ایران»، فراوانی و تنوع ساختاری و میزان گسترش تألیف و استنساخ آثار فقهی دوره نخست صفوی مورد بررسی قرار گرفته است (عظیمی، ۱۴۰۲). نتایج این پژوهش نشان داد از ۵۵۴ عنوان آثار فقهی تألیف و کتابت شده آن دوره، ۳/۳۸ درصد آن آثار با ساختار کتاب و ۷/۶۱ درصد آثار در قالب رساله تألیف شده، ۲۱۲ عنوان آن مربوط به کتاب‌های فقهی تألیف و استنساخ شده و مابقی مربوط به رساله‌های فقهی است. افزون بر این، از بررسی کتاب‌های فقهی که نسخه‌های متعددی از آن‌ها در این دوره کتابت شده، معلوم شد که آثار شیخ بهایی و محقق کرکی و شهیدثانی از علمای مهاجر یا معاصر صفویه و کتاب‌های محقق حلی و علامه حلی از فقهای مشهور متقدم با بیشترین فراوانی نسخه‌های کتابت شده هستند. با توجه به این که آثار فقهی علمای

مذکور، کتاب‌های جامع فقهی و استدلالی بودند؛ بنابراین، نتیجه گرفته شده که فراوانی استنساخ این آثار عمدتاً برای تأمین نیاز منبع درسی در مدارس شیعی است که در شهرهای مهم و بزرگ ایران در این دوره تأسیس شده است. همچنین، با افزایش قابل توجه کتابت آثار فقهی مذکور معلوم می‌شود این آثار جزء منابع اصلی فقهی در مدارس شیعی و مرجع و مأخذ فقهی معتبر برای مراجعه دیگر فقها به آن‌ها برای مباحثات علمی و استنباط فتاوی فقهی مورد نیاز جامعه بوده است.

جمع‌بندی پیشینه‌ها نشان می‌دهد که به جز طرح پژوهشی انجام شده توسط عظیمی (۱۴۰۱) با همین موضوع در قلمرو زمانی نیمه اول دوره صفویه، پژوهش‌های مرتبط با موضوع پژوهش را می‌توان در دو محور کلی الف) بررسی نقش و تأثیر مدارس مذهبی در رشد تألیف و استنساخ آثار فقهی ب) نقش نظام طلبگی و تشکیلات آموزشی در دوره صفوی طبقه‌بندی نمود. همان‌طور که مشاهده می‌شود، اهداف و پرسش‌های پژوهش حاضر کاملاً متفاوت با پژوهش‌های مشابه است؛ به ویژه آن که یافته‌های این پژوهش با جستجو و با استناد به انبوهی از مجموعه‌های نسخ خطی فهرست شده در کتابخانه‌های ایران (بالغ بر ۳۲۰۰۰۰ نسخه خطی) قابل تحقق خواهد بود و انجام این پژوهش در قلمرو زمانی نیمه دوم دوره صفویه به منزله تکمله‌ای بر پژوهش انجام شده توسط نگارنده در نیمه اول دوره صفویه خواهد بود.

## مبانی نظری

### تداوم تأسیس و توسعه مدارس دینی در نیمه دوم صفویه

به لحاظ محدودیت‌هایی که پیش از صفویان بر تشیع اعمال شده بود و از همه مهمتر رسمیت یافتن آن در این دوره در کشوری پهناور، نیاز به مبلغین و فقها برای ترویج و تحکیم مبانی عقیدتی شیعه امامیه بسیار ضروری می‌رسید. در ابتدای حکومت صفوی تعداد روحانیون عالی رتبه از نظر کمی محدود بود و نیاز شدید در زمینه مذکور باعث شد تا عده‌ای از روحانیون عالی رتبه شیعه از شام، بحرین، جبل عامل لبنان و کربلا و نجف توسط شاهان صفوی به ایران فرا خوانده شدند، تا با همیاری و همفکری روحانیون ایرانی پس از سازماندهی تشکیلات مربوط به روحانیت به ترویج تشیع بپردازند. با تداوم گسترش مدارس و تربیت شاگردان متعدد و استنساخ کتاب‌ها و رساله‌های فقهی در مدارس دینی در نیمه دوم صفویه، مبانی عقیدتی و فقهی امامیه در مناطق مختلف ایران تحکیم و تبیین گردید. از این رو، مدارس به عنوان عامل تغذیه‌کننده و پشتیبان ایدئولوژیکی برای این مقصود مورد توجه قرار گرفتند. همین امر موجب شد که پس از تثبیت حکومت صفوی، فعالیت‌های وسیعی در زمینه مدرسه‌سازی در سراسر ایران پدید آید. این اقدام با به حکومت رسیدن شاه عباس به بعد و انتقال پایتخت به اصفهان که دوره‌ای از آرامش و امنیت اجتماعی و ثبات سیاسی را در پی داشت، تسریع گردید و مدرسه‌های زیادی با حمایت شخص شاه، خانواده سلطنتی، درباریان، صاحب منصبان، افراد با

نفوذ اجتماع و افراد خیراندیش در اصفهان احداث شد و روند توسعه علوم مذهبی تا پایان دوره صفوی با شدت و قوت دنبال شد (بهمنی، ۱۳۹۰).

مدارس شیعی بسیاری در این دوره پا گرفت و مدارس اهل سنت تا حد ممکن تعطیل شد و به جای آن‌ها مدارس شیعی با موقوفات و کمک‌های مالی شاهان و بزرگان صفوی پدید آمد. تأسیس مدارس در عصر صفوی به ویژه در دوره شکوفایی عصر صفویه؛ یعنی از دوره شاه عباس اول (حک ۹۹۶-۱۰۳۸ ق) به بعد، اوج گرفت و حتی دوران انحطاط سیاسی عصر صفوی؛ یعنی دوره حکومت شاه سلیمان (حک ۱۰۷۷-۱۱۰۵ ق) و شاه سلطان حسین (حک ۱۱۰۵-۱۱۳۵ ق) در گند شدن روند رشدیابنده تأسیس آن‌ها تأثیر نگذارد. از این منظر، دوره ضعف و انحطاط عصر صفویه، با دوره اوج و شکوفایی ساخت مدارس همزمان بوده است. برای نمونه، حتی یک مدرسه غیرشیعی در اصفهان، شیراز و مشهد در هیچ یک از دوره‌های عصر صفوی نبود (بخشی استاد و احمدی، ۱۳۹۲، ص. ۹).

به علاوه، پس از ورود نخبگان و عالمان بزرگ شیعی از دیگر مناطق شیعه‌نشین (جبل عامل و بحرین) به ایران و تدریس در مدارس در کنار عالمان ایرانی، کارهای علمی مدارس بر محوریت مذهب فقه شیعه متمرکزتر شد. تنها دوازده تن از ۴۵ عالم مهاجر عاملی که در ساختار دینی ایران عصر صفوی نیز منصبی داشتند، در جایگاه مدرس مدارس این دوره نشستند (ابی ساب، ۲۰۰۴، ص. ۱۵۳-۱۵۴).

این مدارس و عالمانی که آرام آرام بر گستره فقه‌آموزی می‌افزودند، به پشتوانه حکومت صفوی از عوامل مهم و تأثیرگذار رشد تشیع فقه‌آلود در ایران بودند. حتی برخی از مدارس در نیمه دوم عصر صفوی همچون مدرسه شیخ علی خان زنگنه در همدان، تعلیم و تعلم علوم عقلی را ممنوع دانستند (برای نمونه، ر.ک: امانی یمین، ۱۳۸۸، ص. ۹۸۴-۹۸۳). بنابراین، رویکرد فقه‌آلود بر رویکرد فلسفی چیره شد. با ارزیابی و سنجش متون آموزشی مدارس قرن دهم هجری در ایران و متون آموزشی قرن یازدهم و سال‌های پایانی این دوره، روند رشدیابنده مدارس تشیع فقه‌آلود را می‌توان دریافت. حتی ویژگی فقه‌آلود حکیمانی چون آقا حسین خوانساری (م ۱۰۹۸) و آقا جمال خوانساری (م ۱۰۲۲ ق)، از حکیمان و مدرسان بزرگ مدارس اصفهان (اواخر عصر صفوی) نمایان‌تر از ویژگی‌های حکمی آنان بود.

مدارس این عصر از مؤثرترین و پایدارترین حامیان تشیع فقه‌آلود بودند و تعلیم بسیاری از متون مهجور شیعه، در مدارس آن روزگار رواج یافت. بر پایه گزارش منابع تاریخی این دوره مانند ریاض العلماء و فهارس نسخ خطی عصر صفوی، افزایش میزان تعلیم و تعلم کتب فقهی و حدیثی شیعه و روند صعودی آن در مدارس

حتی در نیمه دوم عصر صفویه، آشکارا از فزونی و پیشرفت برخوردار بوده است (بخشی استاد، ۱۳۹۰، ص. ۱۲۳-۱۳۷). این ویژگی را از متون آموزشی و نسخ خطی تألیف و کتابت شده در این دوره نیز می‌توان استنباط کرد.

### گسترش حوزه‌های علمیه در نیمه دوم صفویه

محقق کرکی (م ۹۴۰ق) و تعدادی از علمای عرب که به همراه وی به ایران آمدند، بانیان اصلی حوزه‌های علمیه ایران در نیمه نخست صفوی محسوب می‌شوند. آنان با تدریس در مراکز علمی ایران (مانند مدارس و حوزه‌های علمیه) و تربیت طلاب و فراهم آوردن منابع تشیع فقهی، در رشد رویکرد فقهی در مقابل رویکرد حکمی مدارس ایران، بسی تأثیرگذار بودند؛ چنان که شمار فراوانی از مدرسان بزرگ مدارس عصر صفویه، از شاگردان بی واسطه و باواسطه آنان به شمار می‌رفتند.

محقق کرکی و شاگردانش تأثیر مهمی در رشد آگاهی مذهبی جامعه نوپدید شیعه در ایران و ایجاد حوزه‌های علمی شیعی برجای گذاشتند که آثار آن بعدها با ظهور علمای بزرگی در نیمه دوم صفوی از میان همین حوزه‌ها ظاهر شد (حسینی زاده، ۱۳۸۰، ص. ۴۶-۴۷). فقهای مهاجر جبل عامل، با تأسیس حوزه فقهی اصفهان در نیمه نخست صفوی، حق بزرگی به گردن مردم این مرز و بوم و نقش مهمی در خط مشی ایران صفویه داشتند.

در تمامی دوران صفوی، سازمان فرهنگ توسعه یافت و حوزه‌های علوم دینی افزایش یافت. مساجد و مدارس و حوزه‌های بسیاری با موقوفه زیاد تأسیس شد و شماره طلاب علوم دینی چند برابر شد و افراد مستعد به علوم دینی روی آوردند و علمای بزرگ چون شیخ علامه مجلسی، شیخ حر عاملی، محقق ثانی، شیخ بهائی، محقق کرکی، فیض کاشانی، ملاصدرا و میرداماد ظهور کردند که نفوذ آنان موجب سلطه و قدرت پادشاهی بود. ظهور عالمان و دانشمندان بزرگ در این دوران موجب تقویت بنیان‌های فکری و فلسفی، فقهی و حدیثی شیعیان شد.

رونق حوزه‌های علمیه با استفاده از امکانات سلطنت و مصونیت یافتن علما، سادات، زیارتگاه‌ها و ترویج احکام شرعی با همکاری علمای شیعه در نیمه دوم صفوی تداوم یافت. در کل، هدف علما، ترویج احکام دین و رواج علوم اسلامی و دانش‌های دینی به شمار می‌رفت. این همکاری‌ها فرصت تاریخی قابل ملاحظه و پایگاهی امن برای تشیع در جهان خشن آن روزگار را فراهم آورد (جعفریان، ۱۳۷۰، ص. ۱۱۸).

### مدارس شهرهای مهم در دوره صفویه

اماکن خاصی در گذشته‌های تاریخی ایران برای تعلیم و تربیت شیفتگان امر تعلیم و تربیت ایجاد شده بودند که از این میان می‌توان به مکاتیب، مساجد، رباط‌ها، مجالس عمومی و در رأس آن‌ها به مدارس اشاره

داشت. این مراکز در نقاط مختلف کشور پراکنده شدند و در امر تعلیم و تربیت سطوح عالی ادوار گذشته فعالیت داشتند.

مدارس شیعی بسیاری در دوره صفویه در شهرهای مختلف به ویژه شهرهای بزرگ و مهم مانند اصفهان، مشهد و شیراز با موقوفات و کمک‌های مالی شاهان و بزرگان صفوی پدید آمد. تأسیس مدارس در عصر صفوی به ویژه در دوره شکوفایی عصر صفویه اوج گرفت و حتی دوران انحطاط سیاسی عصر صفوی ادامه یافت. برای نمونه تعداد مدارس شیعی دو شهر اصفهان و مشهد بررسی می‌شود.

#### الف) مدارس اصفهان در دوره صفویه

اصفهان به دلیل آن که سال‌ها پایتخت صفویان بوده، مدارس زیادی داشته که متأسفانه اطلاع دقیقی از مدارس قدیمه آن در دست نیست. با این حال، مدارس قدیمه موجود در استان اصفهان بیشتر شامل مدرسه‌هایی است که به دلیل معماری ویژه مورد حفاظت قرار گرفته‌اند. این مدارس عبارتند از: مدرسه جده بزرگ، ساخته شده در زمان شاه عباس دوم؛ مدرسه جده کوچک، ساخته شده در زمان شاه عباس دوم؛ مدرسه جلایه، ساخته شده به سال ۱۱۱۴ق؛ مدرسه چهارباغ، ساخته شده در زمان شاه سلطان حسین؛ مدرسه شمس آباد، ساخته شده در زمان شاه سلطان حسین؛ مدرسه کاسه‌گران، ساخته شده در سال ۱۱۰۵ق؛ مدرسه ملاعبدالله، ساخته شده در زمان شاه عباس اول؛ مدرسه نیم آورد، در زمان شاه سلیمان؛ (موسویان، ۱۳۸۷، ص. ۳۱۰-۳۱۱؛ درخشانی، ۱۳۹۶، ص. ۵۲-۵۵)

غیر از مدارس مذکور، به علت استقرار مرکز حکومتی (پایتخت) در اصفهان به دست سلاطین مختلف، در طول تاریخ این شهر از کثرت فراوان مدارس (۴۸ باب) به ویژه در عهد صفویان برخوردار بوده است که در کتاب «اصفهان دارالعلم شرق» به تفصیل این مدارس معرفی شده اند (شاردن، ۱۳۳۶، ج ۴، ص. ۱۵۸۶؛ درخشانی، ۱۳۹۶، ص. ۵۶).

#### ب) مدارس مشهد در دوره صفویه

از آنجا که صفویان به حمایت همه‌جانبه تشیع پرداخته بودند، توجه و حمایت آن‌ها نسبت به رشد و توسعه شهر مشهد افزوده شد به طوری که بزرگترین، پررونق‌ترین و با شکوه‌ترین مدارس در این شهر مربوط به این دوران است. در این دوره مشهد به علت داشتن ویژگی مذهبی به بستری مناسب برای گسترش مدارس مورد توجه قرار گرفت و بسیاری از علمای مهاجر مانند شیخ بهایی و شیخ حر عاملی و ... به این شهر عزیمت کردند که باعث رونق بیش از پیش این مدارس گردید (متولی حقیقی، ۱۳۸۴). به طوری که اعتماد السلطنه در مطلع الشمس به این موضوع به صراحت اشاره می‌کند که به جز اصفهان مدارس هیچ شهری به رونق و شکوه مدارس مشهد نیست (اعتماد السلطنه، ۱۳۶۲ به نقل از علیزاده، نجیب و صارمی، ۱۳۹۲). احداث ۱۰ مدرسه

در این دوران توسط خاندان سلطنتی، صاحب منصبان، تجار، علما و سایرین مؤید این مطلب است که عبارتند از: مدارس نواب (صالحیه)، حاج حسن (بهزادیه)، باقریه (سمیعیه)، فاضل خان، پایین پا (سعدیه)، میرزا جعفر، خیرات خان، ابدال خان، عباسقلی خان و ملاتاج (خواجه رضوان) (پسندیده، ۱۳۸۵؛ اوکین، ۱۳۸۶؛ درخشانی، ۱۳۹۶، ص. ۶۸-۷۲). در حقیقت نیمه دوم قرن ۱۱ را می‌توان نقطه عطف مدارس مشهد از نظر فزونی دانشمندان و رشد و توسعه علوم دانست به طوری که مدارس این شهر همانند مدارس اصفهان و نجف در ردیف مهمترین حوزه‌های مدارس دینی قرار گرفت (خامنه‌ای، ۱۳۸۴).

پیش از صفویان، در دوره تیموری نیز در مشهد ۹ مدرسه ساخته شد که نمونه‌های آن‌ها عبارت بودند از: پریزاد، یوسفیه، بالاسر (شاهرخی) و مستشاریه (سید میرزا).

### نقش کتابخانه‌های عصر صفوی در استنساخ و انتشار نسخ خطی

یکی از مراکز سفارش استنساخ نسخه‌های خطی، کتابخانه‌ها بود که بیشتر برای تأمین نیاز خودشان و توسعه مجموعه‌ها، به کاتبان سفارش استنساخ کتاب می‌دادند. عده‌ای از این کاتبان در کانون وراقان (حجره‌ها یا دکه‌ها و یا مغازه‌های وراقان) به استنساخ کتاب‌ها می‌پرداختند. عمده کتابخانه‌های این دوره در زمینه فراهم‌آوری نسخه‌های خطی، کتابخانه‌های عمومی، شخصی، دولتی و سلطنتی فعال بوده‌اند. کتابخانه‌های شخصی این دوره بیشتر شامل کتابخانه‌های دانشمندان است، مانند کتابخانه‌های شخصی علامه مجلسی و فاضل هندی. کتابخانه‌های عمومی نیز شامل کتابخانه‌های مدارس و حوزه‌های علمیه و کتابخانه‌هایی نظیر بقعه شیخ صفی، کتابخانه‌های آستان مقدس امام رضا و حضرت عبدالعظیم در ری است. کتابخانه دولتی نیز مانند کتابخانه مدرسه چهارباغ در اصفهان است.

برخی از طلاب مدارس شیعی برای تأمین مواد درسی خود، کتاب‌هایی را از کتابخانه‌های شخصی استادان یا کتابخانه‌هایی مانند آستان قدس رضوی و حضرت عبدالعظیم به امانت می‌گرفتند و پس از کتابت نسخه دیگری از آن کتاب، اصل نسخه را عودت می‌دادند. این مطلب از یادداشت‌هایی که در اوراق ظهیریه برخی از نسخه‌ها که بیشتر آن‌ها مواد درسی مدارس دینی بوده‌اند، نمایان می‌شود.

کتابخانه سلطنتی در این دوران در جهت تولید و تهیه کتب هنری نفیس و کتب علمی، فعالیت قابل توجهی داشته‌اند.

کتابخانه سلطنتی، در اواخر دوره صفوی توسط افغان‌ها غارت شد. ایران عصر صفوی، کتابخانه‌های فراوانی داشته که امروزه می‌توان یاد آن‌ها را در برخی از متون تاریخی و نیز یادداشت‌هایی که بر برخی از نسخه‌های خطی است، به دست آورد (جعفریان، ۱۳۹۸، ص. ۷۴۳). فهرستی از این کتابخانه‌ها را همایون فرخ بر اساس

همین یادداشت‌ها فراهم آورده است (همایون فرخ، ۱۳۴۵، ص. ۳۸-۶۴). برای نمونه یکی از این کتابخانه‌های سلطنتی در نیمه دوم صفویه مورد بررسی قرار می‌گیرد.

### کتابخانه دولتی مدرسه چهار باغ اصفهان

یکی از مدارس مهم اصفهان که در دوره میانی سلطنت شاه سلطان حسین صفوی، در فاصله سال‌های ۱۱۱۶ تا ۱۱۲۶ ساخته شد - و البته از سال ۱۱۲۱ درس و بحث در آن آغاز گردید - مدرسه چهار باغ یا مدرسه سلطانی اصفهان است.

شاه صفوی پس از بنای مدرسه، کتابخانه‌ای نیز برای آن بنا کرد و خود به وقف شماری کتاب جهت آن همت گماشت. گفته شده است که وقتی در دوره سلطه افغانه این کتابخانه در معرض تهدید بوده، کتاب‌ها از طرف متولی در سردابه‌ای ریخته شده و متأسفانه پس از چندی، بسیاری از آن‌ها ضایع شده است (جعفریان، ۱۳۹۸، ص. ۷۴۴).

تحویلدار (۱۳۷۸) درباره کتابخانه این مدرسه چنین می‌نویسد: «سلاطین صفوی - انار الله برهانم - کتب هر علمی را تصحیح و تنقیح کرده، سه دسته از کل آن‌ها را به خط خوش نویسانده، وقف فرموده، یک دسته را در کتابخانه مبارکه امام ثامن حضرت رضا - علیه آلاf التحیه و الثنا - و یک دسته در کتابخانه شاه صفی - قدس الله روحه - فرستاده بودند. دسته دیگرش را در کتابخانه دولتی مدرسه چهارباغ اصفهان ضبط و محفوظ داشتند و از نسخ آن‌ها، بعضی در کتابخانه‌های مدارس و ولایات و مملکت بود. کتاب‌های مدرسه چهارباغ اصفهان را هم مدرسش در زمان غلبه افغان احتیاط کرد و در خانه خود به سردابی ریخت و در آن را مسدود نمود و در هشت - نه سال اغتشاش این طایفه و غیره به آن‌ها سرکشی نشد. بسیاری از این کتب، به گرد و بید و موریانه ضایع شد و پس از آن هم الی الان در همان سردابه‌ها مانده و به مرور دهور، موریانه آن‌ها را از حیز انتفاع انداخته است» (تحویلدار، ۱۳۸۷، ص. ۴۸).

وجود یکی از کتاب‌های کتابخانه مدرسه چهار باغ در کتابخانه مسجد گوهر شاد مشهد، ممکن است نشان دهد که آثار این کتابخانه به مرور پراکنده شده است (جعفریان، ۱۳۹۸، ص. ۷۴۴). کتاب شرح هدایه الحکمه از ملاصدرا به شماره ۱۳۶۳ در کتابخانه گوهرشاد نگهداری شده و در پشت آن وقفنامه این کتاب جهت مدرسه جدید سلطانی واقع در چهارباغ دارالسلطنه اصفهان موجود است (فاضل هاشمی، ۱۳۶۷، ص. ۱۹۵).

### روش‌شناسی پژوهش

این پژوهش به روش پژوهش پیمایشی از نوع تحلیل محتوا انجام می‌شود؛ یکی از ابزارهای روش پیمایشی، چک لیست است که در این پژوهش، از آن استفاده می‌شود و با توجه به دامنه موضوع، این پژوهش به شیوه سرشماری انجام می‌شود.

**شیوه‌ها و فنون گردآوری اطلاعات:** منابع اصلی برای گردآوری اطلاعات مورد نیاز برای پاسخ به پرسش‌های پژوهش، مجموعه ۴۵ جلدی ویرایش نخست فنخا، وبگاه کتابخانه‌های بزرگ کشور همانند ملی، آستان قدس رضوی، مجلس شورای اسلامی و کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران و سایت آقابزرگ طهرانی است. ابزار گردآوری اطلاعات، سیاهه واری (چک لیست) است. با جستجو در منابع مذکور اطلاعات مورد نیاز از کتب فقهی تولید شده در دوره صفوی استخراج شده و این اطلاع استخراج شده به تفکیک دو گروه کلی: کتاب‌های تألیف شده و نسخ استنساخ شده در این دوره در چک لیست وارد می‌شود. پس از تکمیل این فرایند، اطلاعات مندرج در چک لیست در چند جدول طبقه‌بندی می‌شود و نهایتاً یافته‌ها مورد تجزیه و تحلیل قرار می‌گیرد.

**نحوه تجزیه و تحلیل یافته‌ها:** یافته‌ها با استفاده از مطالب علمی و ادبیات پژوهش و مقایسه با یافته‌های مشابه در نیمه نخست دوره صفوی، به صورت کیفی مورد تجزیه و تحلیل قرار می‌گیرد.

### یافته‌های پژوهش

یافته‌های این پژوهش، پاسخ به پرسش‌های پژوهش است که به تفکیک مورد بررسی قرار می‌گیرد.

پیش از بیان یافته‌ها، ارائه دو توضیح زیر ضروری است:

الف) داده‌های جداول زیر از جداول طرح پژوهشی اتمام یافته در سازمان اسناد و کتابخانه ملی در اوایل سال ۱۴۰۳ درج شده که در آن، جداول تمام اطلاعات نسخه‌شناسی و کتابشناسی مجموع ۱۲۷۷ نسخه فقهی استنساخ شده در دوره دوم صفوی درج شده است.

ب) در برخی از نسخه‌های فقهی این دوره، هم محل تألیف و هم شهر محل کتابت و استنساخ آن ذکر شده، در این نسخه‌ها، محل تألیف و کتابت نسخه یکسان است و در نسخه‌هایی این دو محل کاملاً متفاوت است. در بیشتر نسخه‌های مورد پژوهش این دوره، صرفاً محل کتابت بیان شده است. بنابراین، در دو جدول ۱ و ۲ که مراکز تألیف و استنساخ نسخه‌ها ذکر شده، برخی از عناوین نسخه‌ها مشترک و یکسان است.

**یافته نخست:** پاسخ به پرسش اول، تعیین مراکز تولید (تألیف) کتب فقهی در نیمه دوم دوره صفویه ایران است. در پاسخ به این پرسش، اطلاعات استخراج شده در تعیین مراکز تألیف آثار فقهی این دوره در جدول زیر درج شده است.

جدول ۱. مراکز تألیف آثار فقهی نیمه دوم صفوی

کانون‌های تألیف آثار فقهی نیمه دوم صفوی				
شهرها	ردیف	عنوان	مؤلف	ملاحظات
	۱	تعقیبات نمازها	حسینی خاتون آبادی، محمدباقر بن اسماعیل (۱۰۷-۱۲۷)	اهدا شده به سلطان حسین صفوی
	۲	صیغ عقود و نکاح و کفار و افطار رمضان	حسینی خاتون آبادی، محمدباقر بن اسماعیل (۱۰۷-۱۲۷)	اهدا شده به سلطان حسین صفوی

کانون‌های تألیف آثار فقهی نیمه دوم صفوی				
شهرها	ردیف	عنوان	مؤلف	ملاحظات
(۱) اصفهان	۳	فرائض و نوافل (مختصر)	حسینی خاتون آبادی، محمدباقر بن اسماعیل (۱۰۷۰-۱۱۲۷)	اهدا شده به سلطان حسین صفوی
	۴	فقه الرضا	حسینی خاتون آبادی، محمدباقر بن اسماعیل (۱۰۷۰-۱۱۲۷)	اهدا شده به سلطان حسین صفوی
	۵	متعہ	حسینی خاتون آبادی، محمدباقر بن اسماعیل (۱۰۷۰-۱۱۲۷)	اهدا شده به شاه تهماسب صفوی
	۶	نذر صرف اموال	حسینی خاتون آبادی، محمدباقر بن اسماعیل (۱۰۷۰-۱۱۲۷)	به دستور شاه سلطان حسین صفوی
	۷	نیت صادقانه	خوانساری رضی الدین محمد بن حسین (۱۱۱۳-)	به دستور شاه سلطان حسین صفوی
	۸	مائده سماویه (الاطمعه اولاً شریه)	خوانساری رضی الدین محمد بن حسین (۱۱۱۳-)	به دستور شاه سلطان حسین صفوی
	۹	شرح الدروس الشرعیه فقه الامامیه	خوانساری رضی الدین محمد بن حسین (۱۱۱۳-)	اهدا شده به شاه سلیمان صفوی
	۱۰	احکام نماز (ترجمه آداب الصلاه)	آقا جمال خوانساری، محمد بن حسین (۱۱۲۵-)	اهدا شده به شاه سلیمان صفوی
	۱۱	نیت (احکام نیت)	آقا جمال خوانساری، محمد بن حسین (۱۱۲۵-)	اهدا شده به شاه سلیمان صفوی
	۱۲	نیت	حویزی جعفر بن عبدالله (۱۱۱۵-)	اهدا شده به شاه سلیمان صفوی
	۱۳	العین فی سقی المتبایعین (البیع)	حسین نائینی، محمد بن باقر (۱۰۸۰-۱۱۴۰؟)	جعفرآباد اصفهان
	۱۴	تقویم المیراث فی تقسیم المیراث	حسین نائینی، محمد بن باقر (۱۰۸۰-۱۱۴۰؟)	جعفرآباد اصفهان
	۱۵	مناسک حج	مدرس قمی، محمد نصیر بن کمال الدین (قرن ۱۲)	-
	۱۶	جواب الپرسش عن نذرا الصدقه و العتق بعدالوفاه	بحرانی سلیمان بن عبدالله (۱۰۷۵-۱۱۲۱)	به دستور شاه سلیمان صفوی
	۱۷	نذر	تنکابنی، محمد بن عبدالفتاح (۱۰۴۰-۱۱۲۴؟)	اهدا شده به سلطان حسین صفوی
	۱۸	تحفه الصالح (سوال و جواب فاضل هندی)	کزازی محمد بن عبدالله (قرن ۱۲)	اهدا شده به سلطان حسین صفوی
	۱۹	ترجمه الاثنی عشریه فی الصلاه (شیخ بهایی)	مؤلف ناشناس	به دستور شاه سلیمان صفوی
	۲۰	تحفه سلیمانی (در احکام نماز)	حسین مرتضی بن محمد (قرن ۱۱)	اهدا شده به شاه سلیمان صفوی
	۲۱	سفینه توفیق	تبریزی عبدالصمد عاشورا (قرن ۱۱ و ۱۲)	اهدا شده به شاه سلیمان صفوی (مدرسه سلیمانیه)
	۲۲	دستور نماز جنازه گزاردن	مؤلف ناشناس	محل تألیف صفا هان
	۲۳	تحفه المصلین	حسینی لاهیجانی، محمد بن احمد (قرن ۱۱ و ۱۲)	اهدا شده به سلطان حسین صفوی
	۲۴	نیات عبادات	آرتمانی، عبدالله عبدالباقی (قرن ۱۱ و ۱۲)	اهدا شده به سلطان حسین صفوی
	۲۵	زکاتیه	مولوی اصفهانی، جعفر بن حسین (۱۱۵۸-۱۰۹۰)	اهدا شده به سلطان محمد بن محمدحسینی فریدنی

کانون‌های تألیف آثار فقهی نیمه دوم صفوی				
شهرها	ردیف	عنوان	مؤلف	ملاحظات
(۲) بهبهان	۱	المسائل البهبهانیة فی بعضی الاحکام البیانیة	سماهیجی، عبدالله بن صالح (۱۱۳۵- ۱۰۷۶)	
	۲	المسائل الحسینیة فی بعضی المسائل الدینیة	سماهیجی، عبدالله بن صالح (۱۱۳۵- ۱۰۷۶)	
	۳	هدایة الصراط فی منع تأتی الاحتیاط	سماهیجی، عبدالله بن صالح (۱۱۳۵- ۱۰۷۶)	
	۴	الدره السنیة فی جوابات المسائل الدشتستانیة	سماهیجی، عبدالله بن صالح (۱۱۳۵- ۱۰۷۶)	
	۵	العمه الجلیه فی تحقیق المسائل الاسماعیلیه	سماهیجی، عبدالله بن صالح (۱۱۳۵- ۱۰۷۶)	
(۳) قزوین	۱	فقه شاهی در احکام الهی	ساوجی، محمد قاسم (قرن ۱۱)	اهدا شده به شاه طهماسب صفوی
	۲	نظم الفیه: ضروریات دین	طبعی، عنایت الله	اهدا شده به شاه طهماسب صفوی
	۳	طهارت ظروف و اوانی	حسینی طباطبایی، محمود (قرن ۱۱)	در آغاز از شاه طهماسب یاد کرده
	۴	صیغ النکاح	قزوینی، محسن بن محمدطاهر (۱۱۵۰-)	
	۵	سهو و شک	قزوینی، محسن بن محمدطاهر (۱۱۵۰-)	
(۴) نجف اشرف	۱	اوزان شرعیه	قمی، محمد طاهر (۱۰۹۸-)	
	۲	القبلة	مؤلف ناشناس	
	۳	جامع المناسک	حلی نجفی، محمود بن درویش (قرن ۱۱)	
	۴	وجوب الخمس حال استتار الامام	حسینی کاظمی، محود بن فتح الله (قرن ۱۱)	
	۵	الرضاع (الرساله الرضاعیه)	فقونی اصفهانی، ابوالحسن بن محمد طاهر (۱۱۳۸-)	
(۵) مشهد رضوی	۱	وسیله النجاه	مدرس مشهدی، محمد ابراهیم بن محمد نصیر (۱۱۴۸-)	اهدا شده به شاه سلطان حسین صفوی
	۲	کشف الدراییه فی ترجمه البدایه	فراهی، محمد جعفر بن سلیمان (قرن ۱۲)	
	۳	النهجه المرضیه للحضرة الرضویه	بایزید ثانی بسطامی، علی بن عنایت الله (قرن ۱۱)	
	۴	هدایه الطالبین فی معرفه آثار الصادقین	مؤلف ناشناس	
(۶) پیشاور	۱	آله صیدیہ و حاله فیدیہ (در احکام شکار)	بصری احمد بن عبدالرضا (ق ۱۱)	
(۷) تفلیس	۱	الاوزان و المقادیر	میر آصف حسینی، نعمت الله بن محمد باقر (قرن ۱۲)	
(۸) زبید یمن	۱	فتح الصمد بشرح الزید	وصفاحی محمد بن زیاد (۱۱۳۵-)	
(۹) شوستر	۱	مسکن الشجون فی حکم الفرارمن الطاعون	جزایری نعمت الله بن عبدالله (۱۰۵۰-۱۱۱۲)	
(۱۰) شیراز	۱	جواهر البحرین فی احکام الثقلین	سماهیجی عبدالله بن صالح (۱۱۳۵- ۱۰۷۶)	
(۱۱) قمصر کاشان	۱	شعائر الایمان فی بیان حسنات الجوارح و سیئات الابدان	علم الهدی، محمد بن محسن (۱۰۳۹-۱۱۱۵)	

از ۸۸۵ آثار فقهی تألیف شده در دوره صفوی چنان که در جدول فوق (شماره ۱) مشاهده می‌شود، فقط

در ۵۰ عنوان از آن‌ها، محل تألیف توسط مؤلف یا کاتب نسخه در ۱۱ شهر تعیین شده است که بیشترین فراوانی

آن متعلق به اصفهان (با ۲۵ عنوان) و سپس شهرهای بهبهان، قزوین و نجف اشرف هر کدام ۵ عنوان و مشهد رضوی با ۴ عنوان و مابقی شهرها هر کدام با یک عنوان در جایگاه بعدی قرار دارند.

**بحث و نظر:** از ۵۰ اثر فقهی این دوره که محل تألیف در آن ذکر شده بود، نیمی از آن‌ها در شهر اصفهان تألیف شده که این بالا بودن فراوانی بدان جهت است که علمای مهاجری که از جبل عامل و بحرین و عراق به ایران مهاجرت کرده بودند در شهر اصفهان به عنوان پایتخت دولت شیعی اسکان گزیدند. از طرفی پادشاهان صفویه با حمایت از آنان و تأسیس مدارس شیعی به منظور تربیت شاگردانی فاضل در گسترش معارف شیعی تلاش نمودند. این علما و فقها هم با تألیف آثار فقهی در اصفهان سعی نمودند تا منابع درسی حوزه‌های علمیه و مدارس شیعی را تأمین نمایند. پس از شهر اصفهان بیشترین فراوانی مربوط به شهر بهبهان به جهت حضور شیخ عبدالله سماهیجی بحرانی (۱۰۷۶-۱۱۳۵) در آن شهر و تألیفات متعدد فقهی وی است و سپس بیشترین فراوانی تألیف آثار فقهی مربوط به شهر قزوین است. این شهر در نیمه نخست دوره صفویه مدتی پایتخت ایران بوده و پیش از آن هم شیعیان در قزوین بسیار بوده‌اند و یکی از دلایلی که صفویه آن را پایتخت خود کرده‌اند همین بوده، پس از آن هم تا دویست سال بعد قزوین یکی از مراکز مهم مذهب شیعه و جای درس و بحث و علم آموختن بوده است (نفیسی، ۱۳۸۹، ص. ۳۶). سپس در شهرهای مشهد و نجف اشرف هم به جهت حضور فقهای بزرگ و فضلا آثار فقهی متعددی به تألیف رسیده است.

**یافته دوم:** پاسخ به پرسش دوم در خصوص چگونگی نحوه پراکندگی جغرافیایی مراکز استنساخ کتب فقهی در نیمه دوم دوره صفویه است. در پاسخ به این پرسش، اطلاعات استخراج شده در دو جدول زیر نشان داده شده است. در این جداول، شهرها و کانون‌های محل کتابت و استنساخ نسخه‌های فقهی نیمه دوم صفویه مشخص شده است.

جدول ۲. شهرها و محل استنساخ آثار فقهی نیمه دوم صفوی

مؤلف	عنوان کتاب	شهرها
تبریزی، عبدالصمد	سقینه توفیق	اصفهان
علامه مجلسی، محمدباقر	آداب و احکام اموات	
محقق خوانساری	طهاره الخمر	
انصاری، عبدالله	الارث: ترجمه کتاب المیراث (ارشاد الاذهان)	
مشغری، محمد بن جابر	الاوزان و المقادیر	
حسینی حسینی، مسعود بن فضل الله	التباعدین البئر والبالوعه	
نصیری طوسی، محمدتقی بن عبدالحسین	اوزان و مقادیر و اختیارات	
حلی نجفی، محمود بن درویش	جامع المناسک	
مشرقی اصفهانی، محمد بن محمود	صلاه الجمعه	
مؤلف: ناشناس	دستور نمازه چنازه گذاردن	
خراسانی، محمدجعفر	مدارک المدارک	
علامه مجلسی، محمدباقر	پرسش و پاسخ	
علامه مجلسی، محمدباقر	مناسک حج	
مؤلف: ناشناس	شهادت در دادگاه	
لاهیجی، حسن بن عبدالرزاق	هدیه المسافر	

شهرها	عنوان کتاب	مؤلف
	الاذان و الاقامه	مازندرانی، محمدهادی
	سهو و شک	قزوینی، محین بن محمد طاهر
	صیغ عقود و نکاح	حسینی خاتون آبادی، محمدباقر
	حاشیه الروضه البهیة	حویزی، جعفر بن عبدالله
	مشارق المتهتدين	رضوی اصفهانی، محمدباقر
	تعقیبات نمازها	حسینی خاتون آبادی، محمدباقر
	احکام نماز	آقاجمال خوانساری
	مدارک المدارک	خراسانی، محمد بن جعفر
اصفهان (جعفرآباد)	العین فی سقی المتابعین	حسینی نائینی، محمد بن محمدباقر
اصفهان (خاتون آباد)	رسائل خراجیه	مؤلف: ناشناس
اصفهان (سپاهان)	التحفة القوامیه فی فقه الامامیه	حسینی سیفی، محمد بن محمد مهدی
اصفهان (ماربین)	حدود و دیات	علامه مجلسی، محمدباقر
توس	صلاه الجمعه	خوانساری، رضی الدین محمد
مشهد	الزکاه	شیخ حر عاملی
	تتمم جامع عباسی	قرشی ساوجی، محمد بن حسین
	صیدنامه	رازی، محمد سلیم
	نذر معلق به بعد از مرگ	مازندرانی، محمدرضا
	الایحات فی مسائل المیراث	شیخ حر عاملی
قزوین	منتخب الهدایه فی ادله البدایه	قاوی هروی، محمد طاهر بن عبدالله
	صلاه الجمعه	مشهدی، محمد قاسم بن محمد
نجف آباد	نیت	حویزی، جعفر بن عبدالله
	الرضاع	مازندرانی، محمد هادی بن محمد صالح
اصفهان (جرقان)	الاذان والاقامه	مازندرانی، محمد هادی بن محمد صالح
	صلاه الجمعه	تنکابنی، محمد بن عبدالفتاح
خواف (خراسان جنوبی)	هدیه المسافر	لاهیجی، حسن بن عبدالرزاق
شیراز	الرساله المحمدیه فی احکام المیزان	بحرانی، یوسف بن احمد
قریه سرایان (خراسان جنوبی)	تحدید کُر	علامه مجلسی، محمدباقر
قریه نشیمن سلطان (ازقراء بروورد: احتمالا بادرود نطنز)	صیغ العقود و النکاح	علامه مجلسی، محمدباقر
قهبستان	کشف الریبه فی احکام الغیبه	مؤلف: ناشناس
کرهرود (اراک)	رضاع	مؤلف: ناشناس
یزد	حاشیه مدارک الاحکام	مرعشی، ابراهیم بن حسن
کربلا	احکام الصلاه	بحرانی، یوسف بن احمد
	الحج	حسینی اصفهانی، محمد حفیظ
کاظمین	رؤیه الهلال	تنکابنی، محمد بن بدالفتاح
مکه مکرمه	صیغ العقود و النکاح	علامه مجلسی، محمدباقر
	احکام نماز	آقاجمال خوانساری
	فقه شاهی در احکام الهی	ساوجی، محمد قاسم
آمد (ترکیه)	تنویرالاذهان و الضمان	جلب مصلح الدین، مصطفی
بایزید (ترکیه)	قاعده تصحیح مسائل الرد	شیفکی، حسین
ارز روم (ترکیه)	منظومه علاء الدین	مؤلف: ناشناس
قسطنطنیه (ترکیه)	الفتاوی	افندی، عبدالرحیم
	فیض الحی فی احکام الکی	فقهی عینی، محمد بن عبدالله
دکن (هندوستان)	حاشیه الروضه البهیة	حویزی، جعفر بن عبدالله
مهلبه اعمان (احتمالا عمان)	مناسک حج	تنکابنی، محمد بن عبدالفتاح

چنان که در یکی از جداول پیشین (جدول ۲) مشاهده گردید، از مجموع ۱۲۷۷ نسخه فقهی استنساخ شده در دوره صفوی، تعداد ۶۷۲ نسخه دارای تاریخ کتابت بود. مطابق با جدول ۹، در میان نسخه‌های فقهی تاریخ‌دار دوره دوم صفوی، محل کتابت ۵۹ نسخه در ۲۲ شهر در انجامه (ترقیمه) نسخه مشخص شده است که بیشترین فراوانی مربوط به شهر اصفهان است که ۲۷ نسخه (با تعیین محل کتابت) در آن کتابت شده است.

**بحث و نظر:** از نسخه‌های فقهی این دوره که در آن‌ها محل استنساخ ذکر شده، نزدیک به نیمی از آن‌ها در شهر اصفهان کتابت شده‌اند و این به جهت حضور فقهای بزرگ و تأمین منبع برای درس و بحث شاگردانی که در مدارس و حوزه‌های علمیه متعدد این شهر مورد آموزش و تربیت اساتید فقها بوده‌اند. پس از اصفهان، شهر مقدس مشهد، بیشترین فراوانی محل کتابت آثار فقهی را داراست که این هم به جهت حضور برخی از فقهای بزرگ و وجود تعدادی از حوزه‌های علمیه شیعی در این شهر است.

**یافته سوم:** پاسخ به پرسش سوم پژوهش مبنی بر تعیین کانون استنساخ آثار فقهی در نیمه دوم صفویه

است که اطلاعات استخراج شده در جدول زیر نشان داده شده است.

**جدول ۳. کانون‌های استنساخ آثار فقهی دوره دوم صفوی**

عنوان کانون	نام کانون استنساخ	محل کانون (شهر)	عنوان کتاب	مؤلف
(۱) مدرسه	مدرسه سلیمانیه	اصفهان	سفینه توفیق	تبریزی، عبدالصمد
	مدرسه جده کوچک	اصفهان	شهادت در دادگاه	مؤلف: ناشناس
	مدرسه مریم بیگم	اصفهان	سهو و شک	قزوینی، محسن بن طاهر
	مدرسه جعفریه	توس	صلاه الجمعه	خوانساری، رضی الدین محمد
	مدرسه جبه علی	-	الوصیه	بلال بن سنان
	مدرسه ابراهیم بیک	بایزید (ترکیه)	قاعده تصحیح مسائل الرد	شیفکی، حسین
	مدرسه مسعودیه	آمد (ترکیه)	تنویرالاذهان والضمائر	جلب، مصلح الدین مصطفی
(۲) مسجد	مدرسه سفره چی	احتمالا اصفهان	صیغ نکاح	مؤلف: ناشناس
(۳) قلعه	قلعه قصبه سلومند	خواف	هدیه المسافر	لاهیجی، حسن بن عبدالرزاق
(۴) دولتخانه	دولتخانه میرزا رفیع	ماربین اصفهان	حدود و دیات	علامه مجلسی، محمدباقر
(۵) قریه نشیمن	قریه نشیمن سلطان	ازقراء برورود	صیغ العقود و النکاح	علامه مجلسی، محمدباقر

**بحث و نظر:** در ۱۲۷۷ نسخه مورد پژوهش در این دوره، صرفاً در انجامه ۱۱ نسخه خطی، کانون کتابت

ذکر شده است. اگرچه به لحاظ معدود بودن بیان کانون‌ها در این نسخه‌ها، نتیجه به دست آمده قابل تعمیم در مجموع نسخه‌های این دوره نیست، ولی بیان آن‌ها به عنوان نمونه کانون‌ها، جهت مقایسه تطبیقی کانون نسخه‌های این دوره با نسخه‌های دوره نخست صفوی است. بیشترین فراوانی (۷ نسخه) مربوط به مدرسه است و کانون‌های دیگر مانند مدرسه، قلعه، دولتخانه و قریه نشیمن سلطان نیز نام هرکدام از آن‌ها فقط در یک اثر

فقهی استنساخ شده است که ذکر مدارس با فراوانی بیشتر نشان می‌دهد، مدارس این دوره در امر استنساخ آثار فقهی فعالیت بیشتری داشته و مراکز دیگر هم به عنوان نمونه نشان می‌دهد که آن کانون‌ها نیز محل کتابت آثار فقهی بوده‌اند.

این یافته نشان می‌دهد که کاتبان این دوره چندان اهمیتی به درج کانون کتابت در انجامه‌ها نداشته و صرفاً هدف آن‌ها کتابت محتوای کتاب بوده و آداب استنساخ و کتابت کاتبان را رعایت نمی‌کرده‌اند.

**یافته چهارم:** این یافته، پاسخ به پرسش چهارم پژوهش مبنی بر تطبیق مراکز و کانون‌های آثار فقهی

این دوره با آثار فقهی تألیف شده در دوره قبل است. در پاسخ به این پرسش، جدول ۴ ارائه می‌شود:

**جدول ۴. مقایسه تطبیقی تعیین مراکز و کانون‌های استنساخ آثار فقهی در ادوار صفویه**

ردیف	تنوع نسخه‌ها	نیمه دوم صفویه	نیمه اول صفویه
۱	نسخه‌های فقهی دارای تاریخ کتابت	۶۷۲	۳۹۲
۲	نسخه‌هایی که در آن‌ها محل (شهر) کتابت ذکر شده	۵۹	۱۹۰
۳	تعداد شهرهای محل کتابت	۲۲	۶
۴	شهر با بیشترین محل کتابت	اصفهان با ۲۵ عنوان نسخه کتابت شده در آن شهر	مشهد با ۵۲ عنوان نسخه کتابت شده در آن شهر
۵	نسخه‌هایی که در آن‌ها کانون کتابت ذکر شده	۱۱	۸۶
۶	تعداد کانون‌ها کتابت	۵	۸
۷	نام کانون‌های کتابت	مدرسه، مسجد، قلعه، دولتخانه، قریه نشین	مدرسه، حرم، مسجد، منزل، خانه، نظامیه، خانقاه، محله

مطابق با جدول فوق (شماره ۴)، در نیمه دوم حکومت صفوی‌ها، از ۶۷۲ نسخه فقهی تاریخ‌دار فقط ۵۹ نسخه (حدود ۹٪ از نسخه‌ها) دارای محل کتابت است؛ در حالی که از ۳۹۲ نسخه فقهی تاریخ‌دار در نیمه اول، ۱۹۰ نسخه (نزدیک به ۵۰٪ از نسخه‌ها) دارای محل کتابت است. این آمار نشان از آن دارد که در نیمه دوم صفوی‌ها، کاتبان نسخه‌ها خودشان را چندان مقید به درج محل کتابت در انجامه نسخه‌ها نکرده‌اند؛ در حالی که رعایت این آداب استنساخ و کتابت (درج محل کتابت در انجامه نسخه) توسط کاتبان نیمه نخست صفویه بیشتر از کاتبان نیمه دوم بوده است. از طرف دیگر، با توجه به این که محل کتابت درج شده در انجامه‌های نسخه‌های تاریخ‌دار فقهی دوره دوم، ۲۲ شهر و در دوره اول فقط ۶ شهر است، می‌توان چنین نتیجه گرفت که در نیمه دوم صفوی‌ها، به جهت گسترش مدارس مذهبی شیعی در شهرهای مختلف کشور، مراکز و کانون‌های کتابت و استنساخ آثار فقهی از شهرهای بزرگ به شهرهای دیگر هم گسترش یافته و در دوره دوم، بر تعداد شهرهای محل کتابت افزوده شده است.

## تحلیل یافته‌ها

۱) کاتبان دوره دوم صفوی چندان اهمیتی به درج مرکز و کانون کتابت در انجمن‌ها نداشته و با توجه به نیاز کتابت آثار فقهی بیشتر و برطرف کردن نیاز طالبان علم در مدارس توسعه‌یافته مذهبی این دوره، صرفاً هدف آنان کتابت محتوای کتاب بوده و آداب استنساخ و کتابت کاتبان را رعایت نمی‌کرده‌اند. به جهت گسترش مدارس مذهبی و تربیت شاگردان متعدد در آن مدارس بر تعداد مؤلفین آثار فقهی در دوره دوم که همان دانش‌آموخته‌های مدارس مذهبی بوده‌اند؛ تعداد استنساخ این آثار افزایش یافته و بیشتر آثار فقهی دوره دوم، آثار جدید و غیرتکراری هستند. به همین جهت می‌توان احتمال داد که بیشتر کاتبان آثار فقهی این دوره طالبان حوزه‌های درسی بوده‌اند که خود را مقید به رعایت آداب کتابت نکرده‌اند.

۲) چنان که قنبری‌زاده (۱۳۹۲) در پژوهش خود آورده در دوره صفوی محیط آموزشی پس از مساجد و مکتب‌خانه‌ها و نظامیه‌ها با شکل‌گرفتن مدارس به این مراکز منتقل شدند و بهمنی (۱۳۹۰) در پژوهش خود آورده در عصر شاه عباس اول و جانشینان وی برای توسعه آموزش معارف شیعی در شهرهای مختلف به ویژه اصفهان، مدرسه رشد چشمگیری داشته و این مدارس نقش مهمی در عرصه تولید اندیشه تشیع و پرورش علمای صاحب نام داشته‌اند. بنابراین، می‌توان نتیجه گرفت که افزایش قابل توجه آثار فقهی دوره دوم به جهت گسترش مدارس دینی و حوزه‌های درسی امامیه در شهرهای مختلف کشور و افزوده شدن شاگردان تربیت شده در آن مدارس و در نتیجه افزایش تولید آثار فقهی این دوره در مذهب شیعه امامیه است؛ چنان که عظیمی (۱۴۰۲) در پژوهش خود چنین نتیجه گرفته که با توجه به این که آثار فقهی علمای مهاجر و علمای متقدم به کرات کتابت شده و آن‌ها کتاب‌های جامع فقهی و استدلالی بوده‌اند؛ بنابراین، استنساخ این آثار عمدتاً برای تأمین نیاز منبع درسی در مدارس شیعی است که در شهرهای مهم و بزرگ ایران در این دوره تأسیس شده است.

۳) تأسیس و گسترش مدارس شیعی در دوره صفوی اول در شهرهای بزرگ ایران نقش مهمی در گسترش استنساخ، کتابت و انتشار آثار فقهی امامیه داشته‌اند. به علاوه مراکز دیگر حوزه‌های درسی مانند: حرم‌های مطهر، مساجد، نظامیه‌ها و حتی منزل علما (در دوره نخست) و مراکزی مانند قلعه، دولتخانه و قریه نشین سلطان (در دوره دوم) اگرچه با فاصله معنی‌دار با مدارس، اما به عنوان مراکز درس و بحث و در نتیجه کانون‌های کتابت و استنساخ آثار فقهی امامیه محسوب می‌شدند و در تولید و استنساخ آثار فقهی نقش داشته‌اند.

۴) مهاجرت فقیهان برجسته شیعی از جبل عامل و بحرین به ایران و اقامت در تهران (به عنوان پایتخت سیاسی کشور) و حضور در مدارس این شهر و سپس مهاجرت عده‌ای از آنان مانند شیخ حر عاملی و شیخ بهایی به شهر مشهد (به عنوان پایتخت معنوی به جهت حرم شریف رضوی در آن شهر) در عصر صفویه، انگیزه‌های کافی برای عالمان و طالبان علم در مناطق مختلف ایران و مناطق شیعه نشین بحرین قدیم ایجاد کرده بود تا

به اصفهان و مشهد سفر کنند؛ مدارس این دو شهر در دوره صفوی از رونق بالاتری نسبت به سایر شهرهای ایران برخوردار شد.

با بررسی مراکز کتابت دوره صفوی اول در میان آثار فقهی مورد مطالعه عظیمی (۱۴۰۱)، مشخص شده که تعداد مدارس شهرهای مشهد و شیراز و اصفهان در دوره اول صفویه از فراوانی بالایی برخوردار بوده‌اند؛ چنان که در پژوهش عظیمی (۱۴۰۲) مشخص شده تعداد مدارس ذکر شده در انجمنه‌های نسخه‌های مورد مطالعه در دوره دوم در شهر اصفهان از فراوانی بیشتری نسبت به مدارس شهرهای دیگر داشته است و در نتیجه کتابت و استنساخ آثار فقهی در دوره صفوی در دو شهر اصفهان و مشهد افزایش قابل توجهی نسبت به شهرهای دیگر داشته است. در تمامی مدارس ایران و حتی مدارس کشورهای دیگر، آثار فقهی فقهای مشهور امامیه و عمدتاً کتاب‌هایی که به عنوان منبع درسی تلقی می‌شوند، کتابت و استنساخ شده‌اند.

### نتیجه‌گیری

یافته‌های این پژوهش عبارتند از:

- ۱) از ۸۸۵ آثار فقهی تألیف شده در دوره صفوی فقط در ۵۰ عنوان از آن‌ها، محل تألیف توسط مؤلف یا کاتب نسخه در ۱۱ شهر تعیین شده است که بیشترین فراوانی آن متعلق به اصفهان (با ۲۵ عنوان) و سپس شهرهای بهبهان، قزوین و نجف اشرف هر کدام ۵ عنوان و مشهد رضوی با ۴ عنوان و مابقی شهرها هر کدام با یک عنوان در جایگاه بعدی قرار دارند.
- ۲) از مجموع ۱۲۷۷ نسخه فقهی استنساخ شده در دوره صفوی، تعداد ۶۷۲ نسخه دارای تاریخ کتابت است. در میان نسخه‌های فقهی تاریخ‌دار دوره دوم صفوی، محل کتابت ۵۹ نسخه در ۲۲ شهر در انجمنه (ترقیمه) نسخه مشخص شده است که بیشترین فراوانی مربوط به شهر اصفهان است که ۲۷ نسخه (با تعیین محل کتابت) در آن کتابت شده است.
- ۳) در ۱۱ نسخه خطی فقهی این دوره، کانون کتابت ذکر شده که بیشترین فراوانی (۷ نسخه) مربوط به مدرسه است و کانون‌های دیگر مانند مدرسه، قلعه، دولتخانه و قریه نشیمن سلطان نیز نام هر کدام از آن‌ها فقط در یک اثر فقهی استنساخ شده است که ذکر مدارس با فراوانی بیشتر نشان می‌دهد، مدارس این دوره در امر استنساخ آثار فقهی فعالیت بیشتری داشته و مراکز دیگر هم به عنوان نمونه نشان می‌دهد که آن کانون‌ها نیز محل کتابت آثار فقهی بوده‌اند.
- ۴) در میان نسخه‌های فقهی تاریخ‌دار دوره دوم صفوی، محل کتابت ۵۹ عنوان اثر فقهی در ۲۲ شهر در انجمنه (ترقیمه) نسخه مشخص شده است که بیشترین فراوانی آن مربوط به شهر اصفهان است. همچنین، فقط در ۱۱ نسخه خطی فقهی این دوره، کانون کتابت ذکر شده که بیشترین فراوانی (۷ نسخه) مربوط به مدرسه

است. در دوره اول صفوی، محل کتابت ۱۹۰ عنوان اثر فقهی در ۶ شهر در انجامه نسخه تعیین شده که بیشترین فراوانی مربوط به شهرهای مشهد مقدس (پایتخت معنوی) و اصفهان (پایتخت سیاسی ایران) است. همچنین، در ۸۶ نسخه آن کانون کتابت ذکر شده که بیشترین فراوانی مربوط به مدرسه با فاصله معنی‌داری از کانون‌های دیگر است.

### سپاسگزاری

از شورای پژوهش سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران و ناظر محترم این طرح که در اجرای طرح پژوهشی از نگارنده حمایت معنوی کرده‌اند و این مقاله مستخرج از همان پژوهش است، قدردانی می‌شود. همین‌طور از داوران محترم مقاله که با ارائه نظرات ارزشمند خود در جهت اصلاح و تکمیل مقاله، متحمل زحمت شده‌اند، تشکر و قدردانی می‌شود.

### منابع

- اعتماد السلطنه، محمد حسن (۱۳۶۲). *مطلع الشمس*. تهران: انتشارات آبان.
- امانی یمین، مهدی (۱۳۸۸). *مدرسه زنگنه یا مدرسه بزرگ همدان. پیام بهارستان*، ۲(۳)، ۹۸۳-۹۹۲.
- اوکین، برنارد (۱۳۸۶). *معماری دوره تیموری در خراسان*. مشهد: بنیاد پژوهش‌های اسلامی.
- بخشی استاد، موسی الرضا (۱۳۹۰). *مدرسه و تأثیرات علمی و اجتماعی آن در عصر صفویه*. پایان‌نامه دکتری، دانشگاه تهران، دانشکده الهیات.
- بخشی استاد، موسی الرضا؛ احمدی، زهت (۱۳۹۲). *تأثیر علمی مدارس در عصر صفویه*. فصلنامه پژوهش‌نامه تاریخ اسلام، ۳(۱۱)، ۲۷-۷.
- بهمنی، مریم (۱۳۹۰). *بررسی تأثیر مدارس مذهبی اصفهان در گسترش و تشبیت تشیع در عصر صفویه*. پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه لرستان، دانشکده ادبیات و علوم انسانی.
- پسندیده، محمود (۱۳۸۵). *حوزه علمیه خراسان*. مشهد: بنیاد پژوهش‌های اسلامی.
- پورآرین، فؤاد (۱۳۶۹). *تاریخچه نظام طلبگی ایران عصر صفوی*. پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه تهران.
- تخویلداری، میرزاحسین (۱۳۸۷). *جغرافیای اصفهان*. ویراستاران: هومن عباسپور و منوچهر ستوده. تهران: انتشارات شنگرف.
- جعفریان، رسول (۱۳۷۰). *دین و سیاست در دوره صفوی*. قم: انتشارات انصاریان.
- جعفریان، رسول (۱۳۷۹ و ۱۳۹۸). *صفویه در عرصه دین فرهنگ و سیاست*. قم: پژوهشکده حوزه و دانشگاه.
- خامنه‌ای، سیدعلی (۱۳۶۵). *گزارشی از سابقه تاریخی و اوضاع کنونی حوزه علمیه مشهد*. مشهد: انتشارات آستان قدس رضوی.
- درخشانی، محمد (۱۳۹۶). *مدارس عصر صفوی*. فصلنامه تاریخ نو، ۷(۱۹)، ۵۰-۸۱.
- شاردن، ژان (۱۳۳۶). *سیاحت‌نامه شاردن*. ترجمه محمد عباسی، ج ۴، تهران: امیر کبیر.
- عظیمی، حبیب‌الله (۱۴۰۱). *گسترش تولید کتب فقهی و پراکندگی جغرافیایی آن در دوره صفوی اول در ایران با استناد به نسخ خطی کتابخانه‌های ایران*. طرح پژوهشی سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران.

عظیمی، حبیب الله (۱۴۰۲). استنساخ کتاب‌های فقهی در دوره صفویه اول در ایران با استناد به نسخ خطی کتابخانه‌های ایران. فصلنامه کتابداری و اطلاع‌رسانی، ۲۶(۳)، ۲۰۸-۲۲۲.

علیزاده، کتابون؛ نجیب، نسرین؛ صارمی، حمیدرضا (۱۳۹۲). بررسی تطبیقی سیر تحول ساختار، عملکرد، معنی و تزئینات مدارس در شهر مشهد - دوره تیموری و صفوی. کنفرانس بین‌المللی عمران، معماری و توسعه پایدار شهری دانشگاه آزاد تبریز.

فاضل هاشمی، محمود (۱۳۶۷). فهرست نسخه‌های خطی کتابخانه مسجد گوهرشاد. ج ۴. مشهد: آستان قدس رضوی.

قنبری زاده، راضیه (۱۳۹۲). نهادهای آموزشی شیعیان از دوره صفویه تا قاجاریه. پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه پیام نور مشهد.

متولی حقیقی، یوسف (۱۳۸۴). تاریخچه آموزش و پرورش نوین خراسان از آغاز تا انقلاب اسلامی. مشهد: مرن‌دیز.

همایونفرخ، رکن‌الدین (۱۳۴۵). تاریخچه کتاب و کتابخانه در ایران. مجله هنر و مردم، ۴۸، ۳۸-۶۴.

## References

- Abisaab, R. J. (2004). *Converting persia: religion and power in the Safavid empire*. London: I. B. Tauris.
- Alizadeh, K., Najib, N., & Sarmi, H. (2013). A comparative study of the evolution of the structure, function, meaning and decorations of schools in Mashhad - Timurid and Safavid periods. *International Conference on Civil Engineering, Architecture and Sustainable Urban Development of Tabriz Azad University*. (in Persian)
- Amani Yamin, M. (2009). Zanganeh school or Hamadan big school. *Payam Baharestan*, 2(3), 983-992. (in Persian)
- Azimi, H. (2022). *Expansion of the production of jurisprudence books and its geographical distribution in the first Safavid period in Iran with reference to the manuscripts of Iranian libraries*. A research project approved by the Research Council of the Organization of Documents and the National Library of Iran. (in Persian)
- Azimi, H. (2023). Copying jurisprudential books in the first Safavid period in Iran based on the manuscripts of Iranian libraries. *Library and Information Sciences*, 26(3), 208-222. (in Persian)
- Bahmani, M. (2011). *Investigation of Isfahan religious schools in the expansion and consolidation of Shiism in the Safavid era*. Master dissertation. Lorestan University, Faculty of Literature and Humanities. (in Persian)
- Bakhshi Ostad, M. A. R. (2011). *School and its scientific and social effects in the Safavid era*. Doctoral dissertation. University of Tehran, Faculty of Theology. (in Persian)
- Bakhshi Ostad, M. A. R., & Ahmadi, N. (2013). Scientific influence of schools in the afavid era. *Islamic History Research Journal*, 3(11), 7-27. (in Persian)
- Chardin, J (1957). *Chardon's travel book*. translated by M. Abbasi, (vol. 4). Tehran: Amir Kabir. (in Persian)
- Derakhshani, M. (2016). Schools of the Safavid era. *New History*, 7(19), 50-81
- Etemad al-Sultaneh, M. H. (1983). *Informer Al-Shams*. Tehran: Aban Publications. (in Persian)
- Fazel Hashemi, M. (1988). *List of manuscripts of Goharshad Mosque library*. (vol. 4). Mashhad: Astan Quds Razavi. (in Persian)
- Homayun Farrokh. R. (1966). History of books and libraries in Iran. *Art and People Magazine*, 48, 38-64. (in Persian)

- Jafarian, R. (1991). *Religion and politics in the Safavid era*. Qom: Ansarian Publications. (in Persian)
- Jafarian, R. (2000 & 2019). *Safavid in the field of religion, culture and politics*. Qom: University and District Research Institute. (in Persian)
- Khamenei, S. A. (1986). *A report on the historical background and current situation of Mashhad seminary*. Mashhad: Astan Quds Razavi. (in Persian)
- Motawali Haghghi, Y. (2014). *The history of modern Khorasan education from the beginning to the Islamic revolution*. Mashhad: Marandiz. (in Persian)
- Okin, B. (2016). *Timurid period architecture in Khorasan*. Mashhad: Islamic Research Foundation.
- Pasandideh, M. (2015). *Khorasan Seminary*. Mashhad: Islamic Research Foundation. (in Persian)
- Pourarian, F. (1990). *History of Iran's student system during Safavid era*. Master dissertation. University of Tehran. (in Persian)
- Qanbarizadeh, R. (2013). *Shia educational institutions from the Safavid period to the Qajar period*. Master dissertation. Payam Noor University of Mashhad. (in Persian)
- Tahvildar, M. (2008). *Geography of Isfahan*. H. Abbaspour and M. Sotoudeh (eds.). Tehran: Shangraf. (in Persian)